

## پژوهشی در چگونگی شهادت حضرت قاسم (ع)

دکتر محمد سالم محسنی<sup>۱</sup>

### چکیده

قاسم یکی از فرزندان امام حسن مجتبی است که در کربلا به شهادت رسید. این پژوهش چگونگی مبارزه و شهادت آن حضرت را در منابع کهن بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته که او دومین پسر شهید امام حسن در کربلا است. وی از نظر سنی کوچک بوه و نوجوان توصیف شده است. قاسم برای مبارزه با دشمن از امام حسین اجازه خواست ولی امام نخست امتناع ورزید تا با اصرار وی مواجه شد و سرانجام اجازه داد. او در میدان نبرد توسط عمر بن سعد آزدی به شهادت رسید. درباره آن حضرت برخی گزارش‌های بی سند نیز شهرت یافته است مانند این که ۱- وی درباره مرگ گفت: «أحلی من العسل»؛ ۲- بدن او زیر سم اسب‌ها پایمال شد؛ ۳- امام حسن تعویذی در بازویش بسته بود که توصیه به یاری حسین می کرد و سرانجام به عروسی او منتهی شد. این گزارش‌ها در این تحقیق مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی با رویکرد تاریخی است.

**واژگان کلیدی:** قاسم بن الحسن، أحلی من العسل، شم اسب‌ها.

۱. مدرس جامعه المصطفی العالمية، ایران، قم (ms.muhseni@yahoo.com)

## مقدمه

یکی از فرزندان امام حسن مجتبی که در کربلا حضور داشت و در رکاب سیدالشهدا به شهادت رسید، قاسم بود. حضرت قاسم با این که سن کمی داشت و به احتمال زیاد به حد بلوغ نرسیده بود، اما شجاعانه از عمویش امام حسین حمایت کرده و در برابر دشمن مبارزه نمود. گزارشگران واقعه عاشورا صحنه نبرد و چگونگی شهادت او را به روشنی روایت کرده‌اند؛ اما در عین حال، درباره قاسم برخی گزارش‌های بی سند نیز در منابع متأخر راه یافته است.

شناخت درست از شخصیت شهیدان کربلا و چگونگی مبارزه و شهادت آنان، ضرورت مراجعه به منابع معتبر تاریخی را ایجاب می‌کند تا گزارش‌های مستند از نقل‌های بی سند بازساخته شود و پیروان و مُحِبان سیدالشهدا در آشنایی با شهیدان کربلا و چگونگی قیام عاشورا از گرفتار آمدن در تحریفات و نقل‌های بی سند، مصون بمانند. این ضرورت، درباره حضرت قاسم نیز ایجاب می‌کند تا چگونگی شهادت او در منابع اولیه بررسی و مطالعه شود.

بر این اساس، تحقیق حاضر می‌کشد درباره حضرت قاسم و صحنه مبارزه و شهادت او در منابع پیش از قرن هفتم به بررسی و مطالعه پرداخته و گزارش مستند ارائه نماید. این پژوهش با رویکرد تاریخی به مسأله نگریسته و با استفاده از اسناد تاریخی به توصیف و تحلیل موضوع می‌پردازد.

### معرفی حضرت قاسم (ع)

حضرت قاسم دومین پسر امام حسن مجتبی است که در کربلا به شهادت رسید. به غیر از قاسم دو پسر دیگر امام حسن نیز در روز عاشورا شهید شده‌اند؛ یکی به نام ابوبکر بن الحسن که از قاسم بزرگ‌تر بود (فُضیل بن زبیر، ۱۴۰۶: ۱۵۰؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵ / ۴۶۸) و حدود ۳۵ سال سن داشت (ابن فُندق، ۱۳۸۵: ۱ / ۴۰۰) و دیگری عبدالله نام داشت و از قاسم کوچک‌تر بود و در لحظه آخر که عمویش سیدالشهدا در میدان جنگ تنها مانده بود، به دفاع از او پرداخت و به شهادت رسید (فُضیل بن زبیر، ۱۴۰۶: ۱۵۰؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵ /



۴۶۸؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۱۰).

اما سن حضرت قاسم به طور دقیق معلوم نیست. برخی گفتند او به حد بلوغ نرسیده بود (خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲ / ۳۱)، و برخی سن او را ۱۶ سال ذکر کردند (ابن فُندق، ۱۳۸۵: ۱ / ۴۰۱). بیشتر کسانی که شهادت آن حضرت را گزارش داده‌اند، از او تعبیر به «غلام» کرده‌اند: «خَرَجَ غُلَامًا كَانَتْ وَجْهَهُ شِقَّةَ قَمَرٍ» (ابن سعد، ۱۴۱۴: ۱ / ۴۷۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵ / ۴۴۷؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۹۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۰۷؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲ / ۳۱). این نشان می‌دهد که او نوجوان بوده است و همچنین آن جناب چهره بسیار زیبا داشته چنان که به پاره‌ماه تشبیه شده است.<sup>۱</sup> مادر قاسم ام ولد بود (فضیل بن زبیر، ۱۴۰۶: ۱۵۰؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵ / ۴۶۸) و نرجس نام داشت (ابن فُندق، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۴۲).

#### اجازه‌خواستن قاسم (ع) برای نبرد

برخی نقل کردند که بعد از شهادت جمعی از جوانان اهل بیت، قاسم نزد امام حسین آمد و از او اجازه خواست تا به میدان جنگ رفته و در برابر دشمن مبارزه کند. امام حسین او را در آغوش گرفت و هر دو گریستند؛ اما حسین از اجازه دادن به قاسم خود داری می‌کرد که شاید به خاطر خردسال بودن او بوده است. قاسم همچنان اصرار می‌ورزید و دست و پای عمورا می‌بوسید تا امام به او اجازه داد و او در حالی که اشک به صورتش جاری بود، به سوی میدان رفت (خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲ / ۳۱).

حضرت قاسم در هنگام رفتن به میدان نبرد، چنین رجز می‌خواند:

إِنْ تُنْكِرُونِي فَأَنَا فَرْعُ الْحَسَنِ      سَبَطُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى الْمُؤْتَمَنِ  
هَذَا الْحَسِينُ كَأَلْسِيرِ الْمُزْتَهَنِ      بَيْنَ أَنْاسٍ لَا يُسْقُوا صَوْبَ الْمَزِينِ<sup>۲</sup>

اگر مرا نمی‌شناسید، من فرزند حسنم؛ او که نوه پیامبر برگزیده و مورد اعتماد بود.

این حسین است همانند اسیر و گروگان، در دست مردمی که باران رحمت

بر آن‌ها نبارد!

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: گروهی از تاریخ‌پژوهان، ۱۳۹۵: ۲ / ۶۱۹.

۲. خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲ / ۳۱. ابن اعثم و ابن شهر آشوب این اشعار را به عبدالله بن حسن نسبت داده‌اند (ابن

اعثم، ۱۴۱۱: ۵ / ۱۱۲؛ ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۴ / ۱۰۶).

### صحنه ورود قاسم (ع) به میدان نبرد

ابی مخنف از حمید بن مسلم صحنه مبارزه حضرت قاسم را چنین گزارش می‌کند که او وارد میدان جنگ شد در حالی که نوجوانی بود صورتش مثل پاره‌ماه و شمشیری در دست داشت و پیراهنی پوشیده بود و نعلینی به پا داشت که بند یکی از آن‌ها بریده شده بود و دقیقاً بند چپ بود. عمر بن سعد بن نفیل آزدی گفت: به خدا قسم الان به این نوجوان حمله می‌کنم و او را از پای درمی‌آورم. حمید بن مسلم می‌گوید او را از این کار منع کردم و گفتم: سبحان الله از این تصمیم که گرفته‌ای دست بردار و بگذار کسانی هستند که این کار انجام دهند. او پاسخ داد: نه، به خدا قسم او را نابود می‌کنم. او حمله کرد و شمشیری بر سر مبارک قاسم زد و سر آن حضرت را شکافت (ابن سعد، ۱۴۱۴: ۱/ ۴۷۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵/ ۴۴۷؛ تمیمی مغربی، ۱۴۰۹: ۳/ ۱۷۹-۱۸۰؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۹۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/ ۱۰۷؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۷؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲/ ۳۱-۳۲).

### چگونگی شهادت حضرت قاسم (ع)

حمید بن مسلم صحنه شهادت حضرت قاسم را چنین روایت می‌کند که وقتی شمشیر عمر بن سعد آزدی برفرق مبارک قاسم وارد شد، «فَوَقَعَ الْعَلَامُ لِرُؤْيِهِ وَصَاحَ يَا عَمَّاهُ فَجَلَّى الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا يُجَلَّى الصَّغْرُ»، قاسم به صورت بر زمین افتاد و صدا زد عمو جان به فردیام برس! امام حسین وقتی که فریاد برادرزاده‌اش را شنید، مانند باز شکاری خود را بالای سر او رساند و مثل شیر غضبناک شمشیر کشید و به قاتل او حمله کرد، شمشیر به دست عمر بن سعد آزدی فرورفت و او چنان فریادی زد که همه لشکریان صدایش را شنیدند. «و حملت خیل لأهل الكوفة ليستنقذوا عمرا من حسين، فاستقبلت عمرا بصدورها، فحركت حوافرها و جالت الخيل بفرسانها عليه، فوطئته حتى مات».<sup>۲</sup>

۱. نام این شخص را شیخ مفید «عمر بن سعد بن نفیل آزدی» آورده اما برخی دیگر «عمرو بن سعید بن نفیل آزدی» و «عمرو بن سعد بن نفیل آزدی» نوشتند.

۲. چنان که بعدا اشاره خواهد شد، این بخش از گزارش برای برخی موجب اشتباه شده و ضمیر «وطئته» و «مات» را به قاسم ارجاع داده‌اند و در نتیجه چنین برداشت کرده‌اند که حضرت قاسم زیر سم اسب‌ها پایمال گردیده است.

سواران سپاه کوفه حمله کردند تا او را از دست امام حسین نجات دهند؛ اما با سینه و سم اسب‌ها به استقبال عمرآزدی رفته و او را زیر دست و پای اسبان لگدکوب کردند تا مُرد. «وَ انْجَلَّتِ الْعَبْرَةُ، فَرَأَيْتُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَائِمًا عَلَى رَأْسِ الْعُلَامِ وَهُوَ يَفْحَصُ بِرِجْلِهِ»، گرد و غبار فرونشست، دیدم امام حسین بالای سر قاسم نشسته و قاسم پاشنه پا را به زمین می‌ساید و آخرین لحظات عمر خود را طی می‌کند.

امام حسین از این پیش‌آمد سخت ناراحت شد و فرمود: از رحمت خدا دور باد قومی که تو را کشتند و فردای قیامت جد تو دشمن آن‌ها خواهد بود. سپس فرمود: «عَزَّوَاللَّهِ عَلَى عَمَلِكُمْ أَنْ تَدْعُوهُ فَلَا يُجِيبُكُمْ أَوْ يُجِيبُكُمْ فَلَا يَنْفَعُكُمْ، صَوْتُ اللَّهِ كَثْرًا وَتَبْرَهُ وَ قَلَّ نَاصِرُهُ»، به خدا قسم چه سخت است بر عمومی تو که او را به کمک بخوانی و او دعوت تو را اجابت نکند و یا اجابت کند اما به حالت سودی نداشته باشد. به خدا قسم این صدایی است که خون خواهان فراوان داشته اما یاورانش امروز کم شده‌اند. امام حسین قاسم را برداشت و به سینه گرفته با خود بُرد در حالی که پاهای قاسم به زمین کشیده می‌شد، تا در کنار بدن علی اکبر و سایر کشتگان اهل بیت گذاشت (ابن سعد، ۱: ۱۴۱۴ / ۴۷۱-۴۷۲؛ طبری، ۵: ۱۳۸۷ / ۴۴۷-۴۴۸؛ تمیمی مغربی، ۳: ۱۴۰۹ / ۱۷۹-۱۸۰؛ اصفهانی، ۹۳: ۱۴۱۹؛ مفید، ۲: ۱۴۱۳ / ۱۰۷-۱۰۸؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۷؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲ / ۳۱-۳۲؛ ابن شهر آشوب، بی تا: ۴ / ۱۰۶؛ ابن نمای حلی، ۱۴۰۶: ۶۹؛ ابن طاووس، ۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۵۶).

امام حسین آن‌گاه خطاب به اهل بیتش فرمود: «صَبْرًا يَا بَنِي عُمومتی صَبْرًا يَا أَهْلَ بَيْتِي لَا رَأَيْتُمْ هَوَانًا بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ أَبَدًا»، ای عموزادگان صبر پیشه کنید و ای خانواده‌ام آرام و شکیب‌باشید. بعد از این روز، هرگز خواری نخواهید دید (ابن اعثم، ۵: ۱۴۱۱ / ۱۱۲؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲ / ۳۲).<sup>۲</sup>

۱. در برخی منابع به جای «صوت» واژه «یوم» آمده است. در این صورت معنای جمله این می‌شود که امروز روزی است که دشمنان بسیار و یاران اندک است.

۲. البته در گزارش ابن اعثم به جای قاسم از عبدالله بن حسن نام برده شده است که با توجه به گزارش مشهور، در بیان نام اشتباه رخ داده است. اما سید ابن طاووس این مطلب را بعد از شهادت علی اکبر نقل کرده



## نقدی بر چند گزارش دیگر

درباره چگونگی شهادت حضرت قاسم، برخی گزارش‌های دیگر بین مردم شهرت یافته است که از سند معتبر برخوردار نیستند. در اینجا به اختصار به بررسی و ارزیابی آن‌ها پرداخته می‌شود.

### ۱- جمله «أحلی من العسل»

امروزه این جمله معروف شده است که حضرت قاسم درباره چگونگی مرگ فرمود: «أحلی من العسل» یعنی مرگ در ذائقه من از عسل شیرین‌تر است. حسین بن حَمْدان خَصِیبی جُنبلانی (م ۳۳۴ ق) روایت کرده است که در شب عاشورا وقتی سیدالشهدا اصحاب و یارانش را از شهادت آن‌ها خبر داد، حضرت قاسم از عمویش پرسید، آیا من نیز فداگشته می‌شوم؟ امام حسین گفت: مرگ در نظرت چگونه است؟ قاسم عرض کرد: «أحلی من العسل»، از عسل شیرین‌تر است، آن‌گاه امام حسین فرمود: آری که از عسل شیرین‌تر است و تو هم فداگشته خواهی شد (خَصِیبی، ۱۴۱۹: ۲۰۴).

این مطلب جز در کتاب *هدایة الکبری اثر خَصِیبی*، در دیگر منابع متقدم روایت نشده است. اما خَصِیبی از نظر علمای رجال به فساد مذهب متهم شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۷؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۵۴؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲: ۴۴۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۲۱۷). بنابراین گزارش او از اعتبار برخوردار نیست. در منابع دیگر تا سده یازدهم هجری گزارشی از این جمله منسوب به حضرت قاسم، به چشم نمی‌خورد؛ اما بعد از قرن یازدهم در منابع متأخر راه یافته و افرادی مانند سید هاشم بحرانی در *مدینة المعاجز* (۴ / ۲۱۵)، شیخ عباس قمی در *نفوس المهموم* (ص ۲۰۸)، محمد تقی سپهر در *ناسخ التواریخ* (۲ / ۳۶۲) و دیگر مقتل نویسان آن را نقل کرده‌اند. بنابراین، تعبیر مشهور «أحلی من العسل»، از نظر سند، ضعیف بوده و در منابع معتبر نقل نشده است.

### ۲- بدن قاسم (ع) زیر سم اسب‌ها

در برخی کتاب‌های متأخر روایت شده است که بدن حضرت قاسم زیر سم اسب‌ها

است (ابن طاووس، ۱۳۸۳: ۱۵۴).



پایمال شد؛<sup>۱</sup> اما آنچه در منابع متقدم آمده این است که وقتی قاسم عمویش را صدا زد، امام حسین به سرعت خود را به قاسم رساند و قاتل او را که عمر بن سعد آزدی بود، با شمشیر زد و دستش آویزان شد و او فریاد کشید. لشکر دشمن هجوم آوردند تا او را نجات دهند ولی اوزیر سم اسب‌ها شد (ابن سعد، ۱: ۱۴۱۴ / ۴۷۲-۴۷۱؛ بلاذری، ۳: ۱۴۱۷ / ۴۰۶؛ طبری، ۵: ۱۳۸۷ / ۴۴۷-۴۴۸؛ تمیمی مغربی، ۳: ۱۴۰۹ / ۱۷۹-۱۸۰؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۹۳؛ مفید، ۲: ۱۴۱۳ / ۱۰۸؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۷؛ خوارزمی، ۲: ۱۳۸۱ / ۳۲؛ ابن نمای حلی، ۱۴۰۶: ۶۹؛ ابن طاووس، ۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۵۶).

اما در منابع متأخر به اشتباه به حضرت قاسم نسبت داده شده که بدنش زیر سم اسب‌ها پایمال شده است، در حالی که بر اساس تمامی منابع متقدم، قاتل آن حضرت زبردست و پای اسب‌ها شده است. آنچه موجب برداشت اشتباه شده است، این بخشی از گزارش است: «و حملت خیل لأهل الكوفة لیستنقذوا عمرا من حسین، فاستقبلت عمرا بصدورها، فحركت حوافرها و جالت الخیل بفرسانها علیه، فوطئته حتی مات» (طبری، ۵: ۱۳۸۷ / ۴۴۷).<sup>۲</sup>

برخی محققان گفتند احتمال می‌رود این مطلب نخست در بحار الانوار تصحیف شده باشد؛ چون بعد از جمله «حتی مات» در عبارت بالا، جمله «لعنه الله» بوده که در قدیم به صورت «لع» می‌نوشتند؛ اما به جای آن به اشتباه واژه «غلام» نوشته شده است؛ یعنی به جای دشمن حضرت قاسم، گفته شده که آن نوجوان زیر سم اسب‌ها شد و سپس این سخن به دیگر کتاب‌ها راه یافته است.<sup>۳</sup>

۱. این گزارش در بسیاری از کتاب‌های متأخر یافت می‌شود؛ از جمله علامه مجلسی در بحار الانوار (۴۵ / ۳۵)؛ سید نعمت الله جزائری در ریاض الابرار (۱ / ۲۲۶) و محمد تقی سپهر، در ناسخ التواریخ (۲ / ۴۲۳) به نقل آن پرداخته‌اند.

۲. این عبارت از طبری نقل شد اما بسیاری از کتاب‌های دیگر نیز تعبیر نزدیک به آن را به کار برده‌اند (رک: ابن سعد، ۱: ۱۴۱۴ / ۴۷۲-۴۷۱؛ بلاذری، ۳: ۱۴۱۷ / ۴۰۶؛ تمیمی مغربی، ۳: ۱۴۰۹ / ۱۷۹-۱۸۰؛ اصفهانی، ۱۴۱۹: ۹۳؛ مفید، ۲: ۱۴۱۳ / ۱۰۸؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۴۷؛ خوارزمی، ۲: ۱۳۸۱ / ۳۲؛ ابن نمای حلی، ۱۴۰۶: ۶۹؛ ابن طاووس، ۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۵۶).

۳. در این مسأله به منابع زیر مراجعه شود: مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۵، پانوش ۱؛ هشترودی تبریزی، محن الابرار (ترجمه مقتل بحار)، ص ۹۳۶؛ محمدی ری شهری، دانشنامه امام حسین، ج ۷، ص ۱۲۲-۱۲۳.

### ۳- تعویذ و عروسی قاسم (ع)

یکی از داستان‌های بی‌سند که در مقتل‌های متأخر نقل شده است؛ اما در منابع معتبر سخنی از آن به میان نیامده، تعویذ<sup>۱</sup> حضرت قاسم و عروسی او است. این داستان در کتاب *روضه الشهداء کاشفی* و منتخب طریحی و سپس برخی دیگر کتاب‌های متأخر با طول و تفصیل گزارش شده است و در اینجا به طور مختصر به آن اشاره می‌شود: هنگامی که حضرت قاسم اجازه میدان خواست، امام حسین امتناع ورزید. قاسم اندوهناک سر بر زانو نهاد تا یادش آمد که پدرش امام حسن تعویذی را بر بازوی او بسته و گفته بود که هنگامی روبه‌رو شدن با غم و اندوه آن را گشوده و مطابق آن عمل نماید. قاسم تعویذ را باز کرد دید نوشته است، هنگامی که عمویت حسین را در کربلا در محاصره دشمن دیدی، دست از یاری‌اش بر ندار و هرچه تو را از مبارزه بازداشت تو اصرار کن. قاسم به محضر عمو رفت و تعویذ را به آن حضرت نشان داد. آن‌گاه امام حسین گفت برادرم حسن به من نیز وصیتی کرده بود، پس باید اول آن را انجام دهیم. داستان چنین ادامه می‌یابد که امام حسین لباس قیمتی بر تن قاسم کرد و قبای امام حسن بردوش او نمود و عقد دخترش را به او بست و دستش را به دست قاسم سپرد (کاشفی، ۱۳۸۲: ۴۰۰-۴۰۲؛ طریحی، ۱۴۲۴: ۳۶۵-۳۶۷؛ ابن شدقم، ۱۴۱۸: ۲۱۶-۲۱۷؛ بحرانی، ۱۴۱۴: ۳ / ۳۷۱-۳۶۶).

این داستان افزون بر آن که سند معتبر ندارد و از زمان ملاحسین کاشفی مطرح شده است، از نظر محتوا نیز با شرایط روز عاشورا و صحنه جنگ و قتال سیدالشهدا ناسازگار است. بسیاری از علما درباره جعلی بودن آن سخن گفته‌اند (ر.ک: محدث نوری، ۱۳۱۹: ۶۴؛ قمی، ۱۳۹۰: ۱ / ۹۰۰-۹۰۱؛ مطهری، ۱۳۸۶: ۱۷ / ۷۷؛ قاضی طباطبایی، ۱۳۸۳: ۳۷۶-۳۷۹).

### نتیجه

بررسی و مطالعه چگونگی شهادت حضرت قاسم در منابع اولیه نشان می‌دهد که او

۱. امروزه جعلی بودن داستان عروسی حضرت قاسم برای بیشتر مردم و روضه‌خوان‌ها روشن است؛ اما قضیه تعویذ آن حضرت را هنوز برخی‌ها می‌خوانند، بدون توجه به این که بخشی از داستان جعلی عروسی قاسم است.





در کربلا حضور داشته و برای دفاع از عمویش سیدالشهدا شجاعانه مبارزه کرده است. سن او دقیق معلوم نیست و بیشتر منابع از وی به «غلام» تعبیر کرده‌اند که نشان می‌دهد در سن نوجوانی بوده است. مادر قاسم ام‌ولد بوده و برخی نامش را نرجس ذکر کرده‌اند. مطابق برخی گزارش‌ها، قاسم برای نبرد از عمویش حسین اجازه می‌خواهد؛ اما سیدالشهدا از ورود او به میدان جنگ استقبال نمی‌کند تا این که سرانجام با اصرار حضرت قاسم، امام حسین به وی اجازه می‌دهد و او وارد نبرد می‌شود و سرانجام توسط عمر بن سعد آزدی به شهادت می‌رسد.

سه گزارشی که درباره حضرت قاسم امروزه بین مردم شهرت یافته است، بررسی شد و این نتیجه به دست آمد که:

۱- جمله «أحلی من العسل» اگرچه به قاسم منسوب است ولی از سند معتبر برخوردار نیست؛

۲- مسأله زیرسم اسب شدن بدن قاسم، به احتمال زیاد در اثر برداشت اشتباه از متن گزارش‌های اولیه که درباره قاتل قاسم بوده، به وی نسبت داده شده است؛

۳- تعویذی را که گفته می‌شود امام حسن در بازوی قاسم کرده و سفارش نموده بود تا عمویش حسین را یاری کند، سند ندارد و جزء داستان ساختگی عروسی حضرت قاسم است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- ابن اعثم كوفى، محمد بن على، (١٤١١ق)، الفتوح، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار الاضواء.
- ابن داود حلى، حسن بن على، (١٣٤٢ش)، الرجال، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ابن سعد، محمد، (١٤١٤ق)، الطبقات الكبرى (الطبقة الخامسة)، تحقيق: محمد بن صامل السلمى، طائف: مكتبة الصديق، چاپ اول.
- ابن شدقم حسيني مدنى، ضامن، (١٤١٨ق)، تحفة لب اللباب فى ذكر نسب السادة الانجاب، تحقيق: سيد مهدي رجايى، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، چاپ اول.
- ابن شهر آشوب، محمد بن على، (بى تا)، المناقب (يا مناقب آل ابى طالب)، تصحيح: هاشم رسولى و محمد حسين آشتيانى، قم: انتشارات علامه.
- ابن طاووس، سيد على بن موسى، (١٣٨٣ش)، لهوف (سوغنامه سالار شهيدان)، ترجمه: عليرضا رجالى تهرانى، قم: انتشارات نبوغ، چاپ ششم.
- ابن غضائرى، احمد بن حسين، (١٣٦٤ش)، الرجال، تحقيق: محمد رضا حسيني، قم: دار الحديث، چاپ اول.
- ابن فندق بيهقى، على بن زيد، (١٣٨٥ش)، لباب الأنساب والألقاب والأعقاب، مقدمه: شهاب الدين مرعشى، تحقيق: مهدي رجايى، قم: كتابخانه آيت الله العظمى مرعشى نجفى، چاپ دوم.
- ابن نماى حلى، جعفر بن محمد، (١٤٠٦ق)، مثير الاحزان، قم: مدرسه امام مهدي.
- اصفهانى، ابوالفرج على بن حسين، (١٤١٩ق)، مقاتل الطالبين، تحقيق و شرح: احمد صقر، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.
- بحراني، سيد هاشم، (١٤١٤ق)، مدينة معاجز الائمة الاثنى عشر ودلائل الحجج على البشر، تصحيح: عزت الله مولائى نيا و عباد الله طهرانى، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية، چاپ اول.

- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، *جمل من أنساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زکارو ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر.
- تمیمی مغربی، قاضی نعمان بن محمد، (۱۴۰۹ق)، *شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الاطهار*، تحقیق: محمد حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- جزائری، سید نعمت الله، (۱۴۲۷ق)، *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الاطهار*، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی.
- خصیبه جُنبلانی، حسین بن حمدان، (۱۴۱۹ق)، *الهدایة الكبرى*، بیروت: مؤسسة البلاغ.
- خوارزمی، موفق بن احمد اخطب خوارزم، (۱۳۸۱ش)، *مقتل الحسین*، تحقیق: محمد سماوی، قم: انوار الهدی.
- سپهر، محمد تقی، (۱۴۲۷ق)، *ناسخ التواریخ*، ترجمه به عربی: سید علی جمال اشرف، قم: مدین.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۰ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الطبری (تاریخ الأمم والملوک)*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، چاپ دوم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۴۲۴ق)، *المنتخب فی جمع المراثی والخطب المشتهر بالفخری*، تحقیق: علی نضال، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۱ق)، *رجال العلامة الحلّی*، تصحیح: محمد صادق بحر العلوم، نجف: دارالذخائر، چاپ دوم.
- فضیل بن زبیر اسدی کوفی، (۱۴۰۶ق)، *تسمیة من قُتل مع الحسین*، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: مؤسسه آل البيت.
- قاضی طباطبایی، سید محمد علی، (۱۳۸۳ش)، *تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهداء*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، شیخ عباس، (۱۳۹۰ش)، *منتهی الآمال*، تهران: مبین اندیشه.

- کاشفی، ملاحسین، (۱۳۸۲ش)، روضة الشهداء، تصحيح: عبدالرحيم عقيقي  
بخشایشی، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
- گروهی از تاریخ پژوهان، (۱۳۹۵ش)، تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء، زیر نظر مهدی پیشوایی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۹ش)، محن الأبرار (مقتل علامه مجلسی)، ترجمه: حسن هشترودی تبریزی، تحقیق: علی اکبر رنجبران تهرانی، تهران: آرام دل.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- محدث نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، (۱۳۱۹ق)، لؤلؤ و مرجان، نسخه خطی مجلس شورای ملی، فهرست شده: ۴۱۶۹، شماره ثبت ۶۴۴۹۰.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۸ش)، دانشنامه امام حسین بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، همکاران: سید محمود طباطبایی نژاد، سید روح الله سید طباطبایی، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۶ش)، مجموعه آثار (حماسه حسینی)، ج ۱۷، تهران: صدرا، چاپ دهم.
- مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم: المؤتمر العالمي لالفیة الشیخ المفید.
- نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم.

